



شروع یک کسب و کار خانگی

برای الهه کاظمیان، پرورش پرنده از تماشای
یک سریال شروع شد و به درآمدزایی رسید

جواهری به نام قرقاول

نجمه موسوی زاده اکف دستش را پر از دانه می‌کند و آرام جلو می‌رود. کمی از دانه‌ها را روی زمین و بیشترش را داخل ظرف می‌ریزد. الهه خانم بیشتر از اینکه حواسش به دانه‌ها باشد، چشمش دنبال پرنده‌هاست؛ تک‌تک آن‌ها را با دقت نگاه می‌کند تا اگر پرنده‌ای کمی بی‌حال باشد، متوجه شود. از رفتار و نگاهش می‌توان فهمید که این پرنده‌ها برای او فقط بخشی از یک کسب و کار خانگی نیستند.

نزدیک به ۹ سال است که زندگی الهه کاظمیان، ساکن محله امام خمینی (۵)، با پرورش پرنده گره خورده است؛ کاری که برایش از یک علاقه شروع شد و کم‌کم به کسب و کار خانگی تبدیل شد. اما، رابطه او با پرنده‌ها بیش از چیزی فراتر از حساب و کتاب فروش و درآمد است. کافی است یکی از آن‌ها بیمار شود تا حال خودش هم عوض شود؛ درست مثل مادری که نمی‌تواند بی‌تفاوت از کنار درد فرزندش بگذرد. او هم مراقبت از پرنده بیمار را تا خوب شدنش رها نمی‌کند. شاید برای همین است که بعد از سال‌ها، هنوز وقتی از پرنده‌هایش حرف می‌زند، بیشتر از قیمت و فروش، از نگهداری‌شان می‌گوید؛ از روزهایی که برای پرورش آن‌ها تلاش کرده و از تجربه‌هایی که در این مسیر به دست آورده است.

پرورش پرنده زینتی، اولین کسب و کار خانگی الهه خانم نیست. او پیش از این هم حدود سه سال در زمینه دوخت کیف‌های چرمی فعالیت کرده است؛ کاری که با شرکت در یک دوره آموزشی شروع شد و کم‌کم همسر و دو فرزندش نیز با او همراه شدند.

الهه خانم تعریف می‌کند: همیشه دوست داشتم در کنار همسر و مادر بودن، کاری هم برای خودم داشته باشم؛ کاری که لطمه‌ای به مسئولیت‌های خانه‌داری نزنند و در عین حال بتواند کمک خرج خانواده و باعث استقلال مالی خودم شود.

وقتی دوخت چرم را یاد گرفت، این مهارت را به همسر و دو فرزندش هم آموزش داد تا کارشان شکل خانوادگی پیدا کند؛ «کیف کارت، جاکلیدی، کیف مدارک، کمربند و کیف دوشی را به صورت سفارشی می‌دوختم. برای برش و چسب کاری هم از همسر و بچه‌ها کمک می‌گرفتم.»

مدتی عکس نمونه کارهایش را در فضای مجازی منتشر می‌کرد و گاهی هم راهی بازارچه‌ها می‌شد تا هنر دستش را بفروشد. اما پیدا کردن مشتری برایش سخت بود. سفارش‌ها همیشه آن‌طور که انتظار داشت، نبود و همین باعث می‌شد به این فکر کند که شاید باید شیوه تبلیغاتش را عوض کند یا سراغ کار دیگری برود.

ایده‌ای که از «جواهری در قصر» شکل گرفت

حدود ۹ سال پیش، جرقه یک کار جدید به ذهن الهه خانم خطور کرد. این ایده از جایی شکل گرفت که حتی خودش هم فکرش را نمی‌کرد؛ «در یک قسمت از سریال جواهری در قصر، فردی پرنده زینتی زیبایی را به پادشاه هدیه می‌داد؛ پرنده‌ای که پرها رنگارنگ زیبایی داشت و نامش قرقاول بود. آن قدر توجهم را جلب کرد که بعد از تمام شدن آن قسمت از سریال، نام پرنده را در اینترنت جست‌وجو، سپس از روی کنجکاوای درباره محل زندگی و شیوه پرورش آن شروع به تحقیق کردم.»

او حدود شش ماه درباره قرقاول تحقیق کرد. تصمیمش را گرفته بود و می‌خواست کسب و کار خانگی‌اش را تغییر دهد و به جای دوخت چرم، سراغ پرورش پرنده برود؛ آن‌هم نه هر

اولین قرقاول و اولین شکست

وقتی فروش جوجه‌ها خوب پیش رفت، الهه خانم بالاخره سراغ همان پرنده‌ای رفت که چند سال قبل بادی‌نش در تلویزیون، فکر پرورش آن به ذهنش رسیده بود. او پنجاه تخم قرقاول خرید و داخل دستگاه جوجه‌کشی گذاشت. اما از میان آن‌ها فقط ۱۰ جوجه بیرون آمدند.

قرقاول‌ها که جوجه شدند، تازه درد سرهایش شروع شد. پرنده‌ها وحشی بودند و نگهداری‌شان در فضای کوچک خانه آسان نبود. الهه خانم تعدادی را فروخت و چهار تارنگه داشت. همسرش هم در گوشه‌ای از بالکن خانه با همان وسایلی که داشتند، یعنی چوب و تلیق یک قفس کوچک ساخت.

الهه خانم هر روز جوجه‌ها را زیر نظر داشت تا اینکه کم‌کم متوجه شد پرورش قرقاول با آنچه در اینترنت و کتاب‌ها خوانده بود، تفاوت زیادی دارد؛ «وقتی جوجه‌های یک ماهه شدند، فهمیدم چیزهایی که خوانده بودم با کاری که انجام می‌دهم، فرق دارد. قرقاول پرنده ناشناخته‌ای بود و اطلاعات زیادی درباره پرورش آن وجود نداشت.» چند وقت بعد قرار شد الهه خانم همراه خانواده به سفر برود. اما کسی را نداشت که قرقاول‌ها را به او بپسپارد. عکس چهار پرنده را آگهی کرد تا شاید کسی برای خریدشان پیدا شود. هنوز دو ساعت از انتشار آگهی نگذشته بود که هر چهار قرقاول فروخته شد.

الهه خانم می‌خواست کمی از این کار فاصله بگیرد، اما نتیجه فروش چیز دیگری بود. قرقاول‌ها با وجود تلفات و سختی پرورششان، به قیمت خوبی فروخته شدند و همین موضوع دوباره فکر پرورش آن‌ها را در ذهنش انداخت؛ «تصمیم گرفتم مدتی استراحت کنم، اما می‌دانستم دوباره سراغ قرقاول خواهم رفت. باینکه جوجه‌های زیادی را از دست داده بودم، سود خوبی نصیبم شده بود و فهمیدم اگر دانش و تجربه‌اش را به دست بیاورم، می‌تواند کار سودآوری باشد.»

وقتی فضای خانه کوچک شد

مدت زیادی از فروش قرقاول‌ها نگذشته بود که الهه خانم دوباره دست به کار شد؛ این بار سراغ تخم کبک رفت. ۱۳۰ تخم کبک داخل دستگاه جوجه‌کشی گذاشت و ۱۱۰ جوجه از آن‌ها بیرون آمدند. اما نگهداری کبک‌ها در آپارتمان خیلی زود برایش درد سر شد. هرچه جوجه‌ها بزرگ‌تر می‌شدند، سروصدایشان هم بیشتر می‌شد. او می‌گوید: نگهداری کبک خیلی سخت بود، به خصوص اینکه در آپارتمان کار می‌کردم. کبک‌ها هرچه بزرگ‌تر می‌شدند، سروصدای بیشتری داشتند. برای همین یک قفس چهار طبقه خریدم و آن‌ها را روی بالکن گذاشتم.

